

## ملت ایران را با ترور نمی توان متوقف و به عقب راند!

۸ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۲

پس از اعلام عدم کفایت بنی‌صدر و عزل او از ریاست جمهوری و فرار مفتضحانه، دشمنان انقلاب اسلامی تلاش خود را در براندازی حکومت اسلامی بیشتر کردند و با توسل به ترور و خشونت گسترده، سعی در از بین بردن مسؤولین وفادار نظام نمودند.

معاندین انقلاب و اسلام پس از واقعه هفتم تیر که طی آن شهید بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب را به شهادت رساندند، اقدام به بمب‌گذاری در دفتر نخست وزیری نمودند و در این واقعه شهید محمدعلی رجایی رییس جمهور محبوب و مردمی و نیز نخست وزیر متفکر و دانشمندش حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد باهنر به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

در خاطرات حجة‌الاسلام هاشمی رفسنجانی که در آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت، در مورد واقعه انفجار نخست وزیری چنین نگاشته شده است:

یکشنبه ۸ شهریور جلسه علنی داشتیم و لایحه بازسازی مطرح بود. ساعت سه بعد از ظهر، هنگامی که عازم رفتن به جلسه علنی بودم، صدای انفجاری شنیدم. معلوم شد در نخست وزیری بوده. دود و آتش بلند شد. از پنجره دفترم نگاه کردم. گفتند اتاق جلسات دولت است. فوراً خبر رسید که جلسه شورای امنیت بوده و آقایان رجایی و باهنر هم حضور داشته اند. یک ربع بعد، بهزاد نبوی آمد - که خودش در نخست وزیری بوده؛ سخت ناراحت و شوکه بود. گفت: آقایان باهنر و رجایی شهید شده‌اند و عده‌ای نجات یافته‌اند. خبرهای متناقض می‌رسید. عده‌ای مدعی بودند که بعد از انفجار، آقایان رجایی و باهنر را در حال انتقال به بیمارستان زنده دیده‌اند و عده‌ای می‌گفتند: اشتباه می‌کنند؛ آنها در آتش سوخته‌اند. رییس شهربانی سرهنگ وحید دستگردی، معاون ژاندارمری سرهنگ ضیایی و معاون نیروی زمینی تیمسار شرفخواه و سرهنگ کتیبه مجروح و بستری بودند. یوسف کلاهدوز مسئول سپاه پاسداران و خسرو تهرانی سالم درآمده بودند. تهرانی کمی سوخته بود.

بعد از ظهر روز یکشنبه، هنگامی که محمدعلی رجایی - رییس جمهور و محمد جواد باهنر - نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، به اتفاق چند تن از مسئولان کشوری و لشکری، در جلسه شورای امنیت کشور در ساختمان مرکزی نخست وزیری شرکت کرده بودند، بر اثر انفجار یک بمب قوی که در کیفی جاسازی شده بود، رییس جمهور و نخست وزیر و نیز بعد از مدتی مجروحیت شدید، رییس شهربانی جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و عده‌ای زخمی شدند. سرهنگ کتیبه یکی از بازماندگان جلسه مزبور که در آن زمان رییس اداره دوم ارتش بود، مشاهدات خود را از لحظات انفجار، چنین شرح داده است:

جلسه در آن روز در ساعت ۳ بعد از ظهر در دفتر کنفرانس نخست وزیری تشکیل شد. من موقع ورودم به اتاق کنفرانس مشاهده نمودم که آن خائن از خدا بی خبر (کشمیری) در حال ورود به جلسه است. شهید رجایی جلسه را با سوره والعصر شروع کردند. در

جلسات شورای امنیت معمولاً مسئولین گزارشات وقایع هفتگی خود را عنوان می‌کنند. در همین لحظات که بحث و گفتگو در جلسه ادامه داشت من ناگهان احساس کردم همینطور که روی صندلی نشسته بودم بی‌اراده سرپا ایستاده و تمام صورتم و مخصوصاً پیشانی‌ام به شدت می‌سوزد. مثل اینکه باروت یا بنزین روی صورت و سرم ریخته باشند. پیشانی‌ام به شدت می‌سوزد و آتش از سر و رویم بالا می‌رفت. چشمم را باز کردم دیدم اتاق را دود قهوه‌ای رنگ غلیظی پوشانده و اتاق، تاریک است. آن میز بزرگی که میز کنفرانس بود، مثل اینکه ذوب شده و در زمین فرو رفته بود. مسئله ای که برای من اهمیت دارد، شدت انفجار بود که ما صدای آن را در آن لحظه نشنیدیم، پرده‌های گوش افرادی که آنجا بودند تمام پاره شده بود. کشمیری با قیافه حق به جانب آن قدر خود را نزدیک کرده بود که واقعاً ما احساس می‌کردیم یکی از نزدیک‌ترین افراد به آقای رجایی است.

چند روز پس از فاجعه هشتم شهریور، آیه‌الله ربّانی املشی دادستان کلّ کشور - عامل انفجار را در یک پیام تلویزیونی معرفی کرد: عامل انفجار نخست‌دوزیری شخصی به نام مسعود کشمیری، دبیر شورای امنیت، بود. این شخص بمبی در کیف خود جاسازی کرده بود که به طور عادی و معمولی، بدون اینکه هیچ کس به او ظنین شود - و هیچ کس هم کیف او را بازرسی و رسیدگی نمی‌کرده و خیلی عادی و طبیعی بوده که کیفش را در دست بگیرد و برود در جلسه شرکت کند و از آنجایی که منشی جلسه هم بوده، کنار مرحوم شهید رجایی و شهید باهنر بنشیند؛ و این کار را کرده و کیف خود را هم در کنار آنها قرار داده و طوری هم تنظیم کرده بوده که انفجار، اولین بار، این دو شخصیت بزرگ و ارزنده و عزیز را بگیرد. خود او هم رفتاری معمولی داشته است: گاهی بیرون می‌رفته، داخل می‌شده، با این و آن صحبت می‌کرده است؛ می‌رفته است چیزی از بیرون می‌آورده، و گاهی چای می‌داده است. در بین یکی از این مواقعی که رفت و آمد می‌کرده است، به بیرون رفته و دیگر برنگشته و در همان موقع، این انفجار به وجود آمده و این عزیزان را از ما گرفت و کشمیری فرار کرد و هم اکنون نیز متواری است و زنده است؛ مگر اینکه سازمان منافقین از آنجایی که ببینند او شاید - مثلاً - وجودش برایشان مضر باشد، وی را از بین برده باشند.

در پی شهادت محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، طبق اصل یکصد و سی‌ام قانون اساسی شورای موقت ریاست جمهوری تشکیل شد تا امور کشور توسط این شورا مرکب از حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی و آیت‌الله موسوی اردبیلی رییس دیوان عالی کشور تا انتخاب رییس جمهوری جدید، اداره شود. شورای موقت ریاست جمهوری پس از استقرار در اولین گام در رابطه با واقعه بمب‌گذاری در دفتر نخست وزیری اطلاعیه ای صادر و با اعلام تعطیلی نهم شهریور، در سراسر کشور پنج روز عزای عمومی اعلام کرد. در روز ۱۱ شهریورماه شورای موقت ریاست جمهوری طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام مهدوی کنی را به عنوان نخست وزیر پیشنهاد کرد. در جلسه همان روز مجلس مهدوی کنی از ۱۹۶ رای ماخوذه با ۱۷۸ رای موافق، ۱۰ رای مخالف و ۸ رای ممتنع به عنوان نخست وزیر رای اعتماد گرفت.

پیام امام خمینی (ره)

امام خمینی رحمه الله به مناسبت شهادت شهیدان رجایی و باهنر فرمودند: ملتی که قیام کرده است در مقابل همه قدرت‌های عالم، ملتی که برای اسلام قیام کرده است، برای خدا قیام کرده است، برای پیشرفت احکام قیام کرده است، این ملت را با ترور

نمیشود عقب راند؛ گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده‌اند، در نظر همه ما عزیز و ارجمندند. آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه‌های نبرد با قدرتهای فاسد هم جنگ و هم رزم بودند. مرحوم رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بودم و خدا خواست که با هم از این دنیا به سوی او هجرت کنند.

### ارزیابی مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، یک سال بعد از شهادت مظلومانه رجایی و باهنر، در مورد ارزیابی این حادثه بیا داشتند: ما امروز از این حادثه درس میگیریم که ضد انقلاب برای پیشبرد اهداف خودش، حاضر است چهره‌هایی به قداست رجایی و باهنر را به آن شکل فجیع نابود کند. ما میفهمیم که ضد انقلاب با چهره‌های منافقانه‌ای حاضر است در همه جا و حتی اتاق کار شهید رجایی نفوذ کند و به این وسیله، جنایتی را انجام دهد؛ در صورتی که شهید، با همه زیرکی و هوشیاری او را نشناسد و چهره منافقانه او را نتواند تشخیص دهد. ما این حادثه را در تاریخ گذاشتیم، اما یک بایگانی بسته و متروک نیست، بلکه هر لحظه در مقابل چشم ماست و باید از آن عبرت بگیریم و همچنان که بارها گفتیم، خودمان را برای سرنوشت افتخارآمیز و غرورآمیز این دو شهید عزیز آماده کنیم.

همچنین مقام معظم رهبری درباره ویژگیهای اخلاقی شهیدان رجایی و باهنر فرمودند: شهید باهنر، مرد بی‌تظاهری بود که هیچ کس از ظاهر آرام او نمیفهمید در باطن و ذهن و اندیشه مواج او چه میگذرد. وی یکی از متفکرین و تئوریسینها و ایدئولوگهای انقلاب بود. نوشته‌های زیادی داشت و کتاب‌های زیادی را تنظیم کرده بود. ارتباطات نزدیکی با شهید مطهری و شهید بهشتی داشت و هر دوی اینها، برای عظمت فکری و قدرت تفکر عملی او ارزش زیادی قائل بودند. نقش شهید رجایی و باهنر در افشا نمودن ماهیت لیبرالی و منافقانه بنی صدر، بسیار برجسته بود. البته شهید رجایی در درجه اول و بعد هم شهید باهنر در این مورد نقش داشتند. شهید رجایی با صبر خود و متانت و حوصله عظیم و با قبول دردها و رنج‌های قلبی و غیر قابل‌افشایی که داشت، توانست با تعبیر خود من با نرمش قهرمانانه‌ای، بنی صدر خائن را افشا و رسوا کند و به زمین بکوبد.

منابع:

۱- هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، تهران، معارف انقلاب.

۲- روح الله خمینی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۵، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.

۳- خاطرات سرهنگ محمد مهدی کتیبه، به کوشش محمدرضا سربانندی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۴- سجاد راعی گلوچه، زندگینامه سیاسی شهید رجایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۵- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخه ۱۹/۶/۱۳۶۰.

۶- روزنامه‌های کیهان، مورخه ۱۹/۶/۱۳۶۰.

۷- روزنامه‌های اطلاعات، مورخه ۱۹/۶/۱۳۶۰.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۳۹۳/راند-عقب-متوقف-توان-نمی-ترور-ایران-ملته>